

تقصیر از کیست؟

دانشگاه باید کانون گسترش

سیاست ملی باشد

جامعه با مشکلات بسیار دست و پا می‌کند. ما هم داریم باید در مقام قیاس با آن زندگی که شایسته ملت ما است شناخته گردد. زندگی که دور از هر گونه زبونی و تیره‌روزی خواهد بود. به بیانی دیگر، مشکلات اجتماعی ما عبارت است از نیازهای ملت ما. شناسایی نیازهای ملی و دریافتن راه برآورده ساختن این نیازها از مهمترین وظایف است که عوامل ارشاد کننده سازمانهای اجتماعی به عهده دارند.

هیچ سازمان اجتماعی نیست که عبث و بدون سبب بوجود آمده باشد. این سبب و انگیزه و یا فلسفه وجودی هر سازمان اجتماعی سبب رفع نیاز ملی و کشودن عقده‌ای از مشکلات اجتماعی چیزی دیگر نمیتواند بود. بنابراین، برای بررسی نسبت به نحوه کار هر سازمان اجتماعی، برای داوری در این باره که یک سازمان های اداری و اجتماعی وظایف خود را به چه کیفیت انجام داده اند، باید نیازهای ملی را شناخت و به وابستگی های آن سازمان با موجودیت ملت و وظایفی که در پیشگاه ملت به عهده دارند آگاه بود.

اکنون، از مهمترین مشکلات اجتماعی ما، مسئله جوانان است. نسل جوان ملت ما هرگز جایگزینی لازم را در امور اجتماعی نیافته است و سازمان های ارشاد کننده نیز نتوانسته اند و نیاز داشته اند که موقعیت اساسی نسل جوان را در بنای اجتماعی ایران در نظر آورند.

بدین مناسبت آنکوه پیوندی که باید میان نسل جوان و برنامه ها و طرح ها و سازمان اجتماعی ایران وجود داشته باشد اکنون موجود نیست.

این عدم پیوند و این خلاء میان نسل جوان و سازمان های اجتماعی برای چه بوجود آمده است؟ آیا جوانان مسئول ایجاد این فاصله هستند، آنان که وجودشان پراز عشق با ایران و پراز آرزوهای بلند پایه برای آزادی و بزرگی ایران سر زمین است؟ آیا آنچه را که بنام مشکل جوانان می نامند آنچه را که عبارت است از حالت کناره جویی و عدم همکاری در برنامه های همگانی و اجتماعی جوانان بوجود آورده اند و یا آنان که مسئولیت اداره موسسات و سازمان های را داشته اند که جوانان را در دامان خود می گیر و پرور می دهند؟

شاهنشاهی که در بر سرانها و دانشگاه های خود محیط مرده و مسخ شده ای ایجاد می کنید که هر گونه بارقه امید و کوشش اجتماعی را در آن می کشید، چگونه انتظار دارید از دامان چنین محیطی دل های گرم و روان های مصمم و خروشان بدامان اجتماع سرازیر گردد.

همه شاگردان مدرست و نووغ تعلیم و تربیت کسانیکه تاکنون مراکز آموزشی و آکادمیک این مملکت را اداره کرده اند در این بوده است که محیط های آموزشی ایران را بکانون های سرد و مرده تبدیل کنند.

آنان شعار دور بودن سیاست را از محیط آموزشی، بهمانند شامخ ترین اصل تعلیماتی خود مورد انکاء قرار داده اند. چنین اساسی را درست می رسد که چگونه همه کوشش هایی که در محیط های آموزشی میهن ما صورت میگیرد، جز این نتیجه ای نخواهد داشت که فردا از یکباره اجتماع خود بکسلد، بارقه های آرمان های اجتماعی را در نهاد او خاموش سازد و او را به عصری مایوس و دل مرده تبدیل کند که هرگاه ضربات مدتها این نظام آموزشی همه وجود او را خرد و بی ثمر نساخته باشد، فقط بدنبال مصالح فردی خود و تمینات شخصی خویش روان گردد. بقیه در صفحه ۴

خاک و خون

شماره ۲۳

نقل از: ناسیونالیسم (۸)

نشریه حزب پان ایرانیست در اروپا

مباحث ناسیونالیسم

پاسخ به: آدمیزاد ما با کسی دشمنی نداریم

ما با حکومت های غربی مخالفت و دشمنی نداریم مگر آنکه آنان بحق از حقوق ملت ما تجاوز کرده و یا قصد تجاوز داشته باشند

ملتهای زنده امروز که سابقه کهنی چون ملت ایران ندارند با هزار گونه تشبیه و توسل به شیوه های انجمن سازی و استفاده از پدید آوردن مراکز رسمی و قمار و غیره درصدد آن هستند تا بلکه بتوانند زبان و ادبیات خود را به تنی چند بیاموزند و از این سر و

موجودیت معنوی خویش را بسط دهند شاید که روزی آنرا وسیله بهره وری مادی سازند. بقیه در صفحه ۳

یک نامه از بحرین

بحرین را دریابید

توطئه امپریالیسم برای جدائی استان ۱۴

از سوی یکی از هم میهنان بحرینی نامه ای برای ما رسیده است - او نوشته است این نامه را از بحرین استان چهارم میهن ما بتهران بفرستد - زیرا حکومت جبار دولت دست نشاندہ شیخ بحرین با ده ها هزار هم میهن دیگر ما که در این گوشه از وطن در زیر تازیانه های استعمار پس میگردانند اجازه نمیدهد تا آنان نامه بسوی قسمتهای دیگر خود بفرستند بدین مناسبت این هم میهن بحرینی نامه خود را از طریق دبستی برای ما فرستاده است. نامه او حقایق دردناک و غم انگیزی را با خود دارد. نامه او حکایت میکند که چگونه امپریالیسم انگلیس بدنبال ایجاد یک واحد مستقل اقتصادی از جزایر و شیوخ بحرین دوی - شارجہ و قطر میباشد و اکنون در راه اجرای این برنامه است که با نهایت سفاکی هر گونه ارتباط بحرین را با ایران قطع نموده اند و اموال ایرانیان بحرینی را مصادره میکنند و به آنان نهایت ظلم و ستم را روا میدارند. امپریالیسم انگلیس برای بحرین به انتشار اسکانس مخصوص دست زده است ما این خبر را چندی پیش در روزنامه «خاک و خون» منتشر نمودیم و کلیشه یکی از آن بقیه در صفحه ۴

چرا مسئولین مر تکب جرم میشوند سخن روز آذرب

دکتر شیخ الاسلام بیش از دو میلیون مالیات را بدولت نپرداخته

اگر مردم بدانند و مطمئن باشند که مبارزه

بافساد یک امر جدی است و هیچ کس مجاز باخراق

و خیانت و تصرف ناحق اموال عمومی نیست هر کس

بموردی از تخلف برخورد کند فوراً آن را بازگو میکند

و در نتیجه خطا هادر همان آغاز کار آشکار میشود

و خطا کار به مجازات میرسد

بطوریکه در جریان منکس کشت، دکتر شیخ الاسلام رئیس سابق دانشگاه ملی مبلغ دو میلیون و چهارصد هزار تومان مالیات حقوق کارمندان دانشگاه ملی را بدولت نپرداخته است گزارش ها حاکی است که این مبلغ را از حقوق استادان و کارکنان دانشگاه کسر کرده و لی از پرداخت آن بوزارت دارائی خودداری نموده است و نیز معلوم شده است از این مبلغ چهار صد هزار ریال مالیات حقوق خود ایشان بوده است. بقیه در صفحه ۳



نمونه ای دیگر از اسکناسی که امپریالیسم در بحرین رایج کرده است

(۱۰) از: آرمان

پیرامون نامه جمعیت ایرانی طرفدار حکومت متحده جهانی

حقیقت اندیشه انتر ناسیونالیسم

احزاب و سازمانها و مطبوعات وابسته باستعمار نوین

تاریخ دیپلماسی استعمار نوین ایجاد فرقه ها - احزاب و سازمان های استعمارگران میخوانند تا روپود سیاست استعماری خود را در محیط آن کشورها به تنگد تشکیل احزاب و سازمان های وابسته به سیاست استعماری خود میباشند. از مشخصات و ویژه گیهای کار استعمارگران نوین در کشور های استعمار شده و یا کشورهای استعمارگران میخوانند تا روپود سیاست استعماری خود را در محیط آن کشورها به تنگد تشکیل احزاب و سازمان های وابسته به سیاست استعماری خود میباشند. از مشخصات و ویژه گیهای

یکی از اسامی مهم و ابزار

از: دکتر عباس روحبخش

کنفرانس ۳۶ کشور آفریقائی
تنهار اهرای دفاع از چهار میلیون سیاه پوست رودزیا

سی و شش کشور آفریقائی سر انجام قدم پیش نهادند و اقداماتی جدی علیه چپاولگران مهاجر که بصورت دولت شورشیان اسمیت در رودزیا جنوبی قد علم کرده اند آغاز نمودند. سی و شش کشور عضو سازمان وحدت کشورهای آفریقائی اسلام کردند که هرگاه دولت انگلیس تا روز پانزدهم دسامبر (۱۰ روز دیگر) حکومت بان اسمیت را در رودزیا سرنگون نسازد کشورهای آفریقائی مناسبات خود را با انگلیس قطع خواهند کرد. شورای وزیران سازمان وحدت کشورهای آفریقائی پس از شش ساعت مذاکره پیرامون مسئله رودزیا قطعنامه ای تصویب کرد که بموجب آن دول آفریقائی رودزیا را تحت محاصره کامل اقتصادی قرار خواهند داد و کلیه وسایل ارتباطی با آن کشور را قطع خواهند کرد - به هواپیماهایی که قصد پرواز به رودزیا را دارند اجازه عبور از آسمان کشورهای خود را نخواهند داد کلیه حساب های رودزیا را در بانکهای ممالک آفریقائی توقیف خواهند نمود و کلیه اسناد و مدارک را که از طرف حکومت رودزیا جنوبی صادر شود فاقد ارزش و اعتبار اعلام خواهند کرد. این شورا در پایتخت آنتیوپی تشکیل شد و وزیران کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا از همه کشورهای جهان خواستند تا از ارسال مواد نفتی به رودزیا بپوش آن دول آفریقائی رودزیا

گورستان شهیدان ..

در اینجا صد نفر هم نژاد کرد و بدوین محاکمه در زیر توده های خاک زنده بگور شدند - کسی از آنها خبر نداشت - هیچ کس نمیدانست که این عده صد نفری در کجا زندانی شدند - تنها چند نفر میدانستند، و در آنده تراکتور و نیز ...

کران و پایدی آنها را برای آزادی در آوردن این نژاد برونمیدارین ملت سترک آشکار میسازد. بهبود نیست که ما میگوئیم تیردی عظیم و عمیق میان ملت ما و پادشاهان تاریکی و ظلمت برقرار است. این تیردی در همه جبهه ها و در همه سطوح در جریان میباشند. برخی میهندارند چون

نامه ای بسوز، تکان دهنده، حاکی از رنج و اندوه بسیار از سوی برادری کرد به «خاک و خون» فرستاده شده است. نامه ای است که گوشه ای از جانباخت استعمار

خاک و خون و خوانندگان

سپل نامه های خوانندگان عزیز ما به پشتیبانی از خط مشی «خاک و خون» همچنان ادامه دارد، اگر چه انعکاس مختصری از نامه های خوانندگان عزیز ستونی چند از روزنامه را اشغال می کنند ولی اگر به هدف های خاک و خون توجه شود این نکته نمودار میگردد که گردانندگان خاک و خون منظوری جز از دادن نسل جوان و همه گروه های مردم این کشور در دور افتاده ترین نقاط با خاک و خون پیوندی ناگسستی برقرار کرده اند، ندارد و انعکاس افکار و عقاید آنها در باره روزنامه مورد پند و ستان در واقع کمترین تماس فکری با خوانندگان عزیز می باشد. بقیه در صفحه ۳

صحنه اول

دزدکی و فرهنگ آریائی ملت ایران، «اسب» این حیوان نجیب و تیز تک همواره جای بسزائی داشته است - داستانهای اساطیری و ملی ما با نام اسبانی یاد پای چون درخشش و «شیدیز» و «قران» که نخستین، اسب پادشاه رستم است و دومین اسب شاهوار خسرو و رومن و سوم اسب تیز تک و راهوار لطفعلی خان زند آشنا است. بی شک در ادبیات ایران درباره اسب پیش از هر حیوان رام دیگری سخن پدید آمده که این خود نموداری از آئین و طرز اندیشه این ملت است ماکثون شمری که که محمد زهری شاعر شیرین سخن و پرمایه ما بنام «اسب سوار» سروده است و باروشائی بسیار احساس و تفکر ایرانی را نسبت با اسب و سوار کارش بیان داشته به نقل از روزنامه گرامی فردا درج می نمائیم

از: شیخ ماه و از اختر گذشت

کاپ خلیج فارس

خاک و خون به تیم برنده کاپ خلیج فارس، را هدیه می کند. دامنه فعالیت و کوشش های طرفداران «خاک و خون» هر روز بیش از پیش در دور ترین نقاط کشور بچشم می خورد ما یقین و ایمان داریم که «خاک و خون» نشریه ایندال ملت ما بزودی همه فقر - های اجتماع مین ما را در بر خواهد گرفت و جوش و کوشش عظیم را بدنبال خواهد داشت. بطوریکه نمایندگان روزنامه «خاک و خون» اطلاع می دهد کوشش های بی کبر خوانندگان خاک و خون بقیه در صفحه ۳

از: دکتر عاملی تهرانی

راه اساسی برای اصلاح وضع سرپرستی دانشجویان

واقعی ها در داخل کشور نمایانند، دانشجویان چگونه می خواهند با آرزوی چه انتظاری است که یک سرپرست با دو اطاق کر ای ای که با نام اداره سرپرستی رادریک کشور خارجی داده قادر باشد دانشجویان از هر جهت و بخصوص از جهت آزادی های سیاسی ملی هدایت نماید.

وضع سرپرستی های دانشجویان در کشورهای خارجی تجدید نظر کنند. مسئله تحصیل در کشورهای خارجی و چونگونگی وضع سرپرستی ها مدتهاست که مهمترین مسئله نظام آموزشی ایران را تشکیل میدهد. در اینکه وضع سرپرستی ها در کشورهای خارج بسیار بد است شکی نیست. سرپرست ها معمولاً از وضع دانشجویان، از هیچ جهت، مطلع نیستند و دانشجویان هم بقیه در صفحه ۳

دوگل و سارتر

هنوز هراندیشه لیبرالیسم و اندوید و آلیسم از مغز های مردم اروپا بویژه مردم فرانسه که از بنیان گزاران این اندیشه منحنط بودند زنده نمانده است. در پیچیده مبارزات تبلیغاتی و شور و غوغای انتخابات ریاست جمهوری فرانسه «ژان پل سارتر» نویسنده معروف فرانسوی از مردم فرانسه خواست تا به میتران یکی از نامزدهای ریاست جمهوری فرانسه رای دهند و شکست آنکه بنیان - در می ۳

بقیه در صفحه ۳

مشق از نثر شکر

از: احمد سمیعی
یک نامه

برای تحریر دو مقاله قبلی در زمینه بازنگشتگی و خصوصاً مطالبی که در شماره گذشته تحت عنوان (نیروی جوان و فکری) قلمی شده بودی عذای از دسترس صاحب نظر باینجانب مراجعه نمودند و مطالبی اظهار داشتند و مخصوصاً یکی از ایشان طی نامه ای متذکر شده اند که شما در این مورد یک بحث اصولی را شروع کرده اید چه بهتر است که عقاید و نظرات مخالف و موافق را بر رفته تحریر در آورده تا در طرح جدید استخدام با توجه به تمام نکات اصولی مواردی گنجانده شود تا نه اشتکالات گذشته، اداسه باشد و نه مواضعی برای آینده فراهم سازد.

نامه اینطور ادامه پیدا میکند، اصولاً بازنگشته نمودن کارمند و پرداخت حقوق بازنگشتگی عملی نیست که در مملکت ما کسی میتواند آن بوده باشد، قدری از خدمات گذشته یک مستخدم از قدیم الایام مرسوم بوده و بتدریج که بشر از حیث روابط انسانی و روابط کار مقرر شده و ثابت و قابل قبولی که منافع خادم و مخدوم را متضمن باشد تدوین گردیده و امروز با اندکی تفاوت در تمام ممالک و در ادارات دولتی و موسسات ملی مرسوم و مدت اول است و این اصل جزو حقوق کلیه اشخاص است مدتی معینی برای یک سازمان دولتی و یا ملی خدمت بنمایند در آمده است تا آنجا که حقوق زمان تقاعد امروز پایه زندگی آنها را از راه خدایان و شالوده گردیده و صحیح نیست که ما بگوئیم اگر دولت کسی بوجه دارد یا موسسه ای در معاملاتی متضرر شده خط بطلان روی آن بکشد.

و اما چرا اشخاص بازنگشته در سازمانهای غیر دولتی استخدام میشوند، نظر اصولی در اینکار این است که چون موسسات ملی استطاعت تحمل پرداخت حقوقهای طولانی برای ذخیره نمودن تجربیات افراد را ندارند از وجود اشخاص بازنگشته که یک عمر بخرچ موسسه دیگری علوم تجربیات اندوخته اند با پرداخت حقوق نسبتاً کمتری استفاده میکنند و این اشخاص نیز که استطاعت جسمانی دارند و هنوز میتوانند منشاء خدمات موثر باشند نقش مهمی را در بالا بردن سطح کوششهای موسسات خصوصی ایفا مینمایند و به همین دلیل است که موسسات خصوصی در کمین این اشخاص هستند و گاه چند موسسه در آن واحد پیشنهاد درجاع شغل بآنها مینمایند.

در کتابی که یکی از نویسندگان معروف امریکا نوشته متذکر شده است که عمر حقیقی انسان از چهل سال به بعد شروع میشود یعنی اشخاص از چهل سال به بعد بدوره تکامل عقلانی میرسند و اظهار عقیده نموده است، همانطور که جوانان در کارهای اجرایی که احتیاج به زور بازو و اطاعت بدون تفکر دارند مفیدند اشخاص سالخورده و با تجربه برای کارهایی که قوه تفکر و تخیل در آن مورد لزوم است لازم و نافع مینمایند و روی همین اصل است که اغلب مریانی که از طرف سازمان ملل و یونسکو به کشورهای ناممکن کردند سنین عمر آنها از پنجاه سال به بالا میباشد.

زیر اشخاصی میتوانند عملی را بکسی بیاموزد یا طرز انجام کار را رهبری نماید که سالهای متعددی در انجام آنکار عمل و تجربه اندوخته باشد. حال اگر در ادارات دولتی ایران عمل بازنگشته نمودن را مریانی ساخته اند که از آن بفع مقام شخصی استفاده میکنند

بقیه مباحث

پس چه دلیل دارد ملت ما با داشتن آئین فرهنگی و انسانی که رسالت عظیم ما و نسلهای آینده را پدید میآورد از همبستگیهای فرهنگی - نژادی - مذهبی و دینی که با ملل دیگر دارد چشم پوشد و همبستگی خود را که در معرض تجاوز و قتل عام بیگانگان هستند یکبار به فراموشی کند؟

اینها است دلایل ناسیونالیستی مادر حفظ علاقی ما با ملل آریائی آسیا و در عین حال با اسلام و تشیع ای آدمیزاد عجیب و غریب! نمیدانیم چگونه از توسیاسکزاری کنیم؟

اینها تو گنجینه بزرگی بودی، گنجینه ای مملو از اشتباهات، اشتباهاتی که متأسفانه بسیاری از فریب خوردگان چون تو بداند، در قلمی دیگر از نامه گرانبار تو دوباره عبارت هست که هر یک در خور آنست که آدمیزاد عزیز را بخوانند کتابها و رساله هائی رهنمون شویم، باشد که خدای بزرگ نیز نور هدایت خویش را از این بنده گمراه دریغ نکند و بساحل نجاتش باز آورد.

میفرمائید شما با اسلام و تشیع چه پیوندی دارید؟ شما که اعلام میکنید پیوستن حکومت عراق به هر چه حکومتی عربی سلب حقوق هم میهنان ایرانی مادر خطه باستانی تیسفون است.

آدمیزاد بی زبان بی زبانی در جمله بالا چنین افاده مقصود میفرمائید که ما چطور مسلمان یا چطور شیعی هستیم که از پیوستن عراق به حکومتی عربی خوشمان نمی آید. آدمیزاد دچار تعجب شده است چطور کسی ممکن است مسلمان باشد و آنگاه با تمایلات استعماری اعراب مخالف باشد؟ آدمیزاد! تعجب میکنید که چگونه ممکن است کسی از طرفی بگوید من مسلمان و از طرفی وقتی عربها میگویند همه عراقیها عرب هستند این ادعای بی اساس را بپذیرد.

متأسفانه در اینجا آدمیزاد همان اشتباهی را مرتکب شده است که گردانندگان دستگاهها که هر وقت میخواهند خیلی بمسلمانی تظاهر کنند بکلی بزبان عربی و بله چه یکی از قبایل عرب سخن میگویند، گوئی چنین می بیند از ند که شخص هر چه عرب تر باشد مسلمان تر است! آدمیزاد هم مسلمان و عرب را دو کلمه مترادف میدانند و به همین دلیل میگوید شما چطور علاقه مند با اسلام و شیعه هستید که با تمایلات سیاسی و تجاوز آمیز عربها مخالف هستید.

مادر صفحات گذشته علت حمایت بیدریغ خود را از تشیع و پیروان این مذهب بیان کردیم و از تکرار آن نیز بی نیازییم. اما از طرفی خاطر خطیر آدمیزاد را یکبار دیگر متوجه میسازیم که عرب بودن با مسلمان بودن فرق دارد. عرب عبارت از افراد ملت های گوناگون است که در قسمتی از خاک نزدیک و میانه و شمال و شرق و زندگانی میکنند و این ملتها چون در تاریخ گذشته خود سطره امپراطوریهای مختلف را تحمل کرده اند از آثار سطره امپراطوریهای گذشته و جرمه مشترکی یافته اند که از همه مهمتر زبان عربی است که یادگار حکومت خلفای اسلامی میباشد و اینک مردمی با نژادهای ملیتهای گوناگون بحکم آنکه یادگار سطره یکی از امپراطوریهای پیشین یعنی زبان عربی را با خود حمل می کنند از تبارها و نژادهای ملیتهای خود چشم پوشیده اند و خوشتر از عرب میشوند و ما نیز این پندار را از آنان قبول می کنیم و آنها را عرب میدانیم. نکته شایان گفتن اینست که ما با حکومتی عربی مخالفت و دشمنی نداریم مگر آنکه آنان با حقی از حقوق ما تجاوز کرده و یا قصد تجاوز داشته باشند. مثلاً با ملت مصر چه خود را عرب بدانند چه ندانند دشمنی و تقاری نداریم و حتی مبارزات ضد استعماری آنان را در مورد آزاد کردن کانال سوئز با ستایش بسیار یاد می کنیم ولی از روزی که حکومت ناصر نمه تجاوز بخلیج فارس را ساز کرد چون بحق مسلم ملت ایران قصد تجاوز کرده است بمخالفت با او برخاستیم و تا زمانیکه آثار این تجاوز ظلمی از حکومت مصر زودتر نشود مخالفت و مبارزه ما با او انصراف ناپذیر است. اما مسئله عراق که فهم آن برای شما تا این اندازه دشوار آمده است نیز مسئله ایست بسیار روشن که چون آفتاب درخشان و آشکار است.

پس از جنگ بین الملل اول که امپراطوری عثمانی منقرض گردید و مستملکات آن در تصرف فاتحین جنگ درآمد، آنان چنانکه معمول است بتشکیل واحدهای سیاسی اقدام کردند و چون در زمان جنگ بعضی از زعمای عرب کمکهای موثری به نیروهای انگلیس کرده بودند انگلیسیها نیز بعنوان پاداش بپیشی از آنان شاهی کشوری را بخشیدند، بیکی از اینگونه شاهان نیز کشور عراق تقویم شد. اما این کشور که ساخته سیاست استعماری پس از جنگ نخستین جهانی میباشد از مردم ناسجوری ترکیب شده بود که اکثریت ایرانی و اقلیت عرب بودند ولی چون حکومت مورد قبول انگلیس خاندانی عرب نژاد بود ارکان حکومت را با عرب سپردند و آن را کشوری عربی قلمداد کردند. آنچه ما میگوئیم اینست، کشوری که اکثریت آن غیر عرب هستند نمیتواند یک کشور عربی قلمداد شود.

جای انکار ندارد که از قانون سوءاستفاده شده و بایستی در آینده ترتیبی اتخاذ شود که قانون وسیله اعمال اغراض خصوصی اشخاص نشود.

نکته دیگر که تذکر آن لازم است این موضوع میباشد که طرز موهن باز نگشته نمودن اشخاص و تصفیه حسابهای خصوصی بحدی اثرات سوء ایجاد نموده که در خانواده ها هر گاه بزرگ آنها باز نگشته میشود از نظر جوانان آن شخص از بین رفته و مهمل تلقی میگردد و حتی در امور زندگانی نیز بدستورات او در نتیجه یک عمر

نمایندگان خاک و خون در شهرستانها

آمل - کتابفروشی اخوان - آقای محمد علی تولی
ساری - آقای محمد ایمانی
شوش - دبستان ما ندانا - آقای مجید صمدی
خرم آباد - کتابفروشی دانش - پل و لعلیه
دزفول - آقای جلال قلمبر - خیابان سیروس
اراک - مطبوعات و لیلی
بندر موم - بنگاه مطبوعات و کتابفروشی ۲۵ شهر یور
شاهی - کتابفروشی یارس

آگهی جهت اطلاع شرکت سهامی اتشکوه
آقای ابوالقاسم تفضلی وکیل بانک ملی ایران دادخواستی بخواسته بکسب اربابان بطرفیت شما و غیره تقدیم دادگاه شهرستان تهران نموده که بشماره ۴۱۷۴۴۴ در ششمه اول دادگاه مزبور تحت رسیدگی است چون شما در نشانی تعیین شده میدان سه اول ناصریه پاساژ امیر شناخته نشده اید حسب درخواست وکیل خواهان و بموجب دستور دادگاه با طبق ماده ۱۰۰ آئین دادرسی مدنی مراتب سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی و یکی از جرائد کثیر الانشار محلی آگهی میشود که روز چهارشنبه هفدهم فروردینماه ۴۵ ساعت ۸ صبح در دادگاه مزبور جهت رسیدگی حاضر شوید در صورت عدم حضور دادگاه غایباً رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد نمود و چنانچه منبذ ابلاغ اخطاری بشما لازم باشد فقط یک نوبت در یک روزنامه درج و مدت آن ده روز خواهد بود.

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه شهرستان تهران - اقبالی
۶۳۳۹ ر.م الف ۳-۱ آ-۱۱۰

آگهی احضار

بدین وسیله به تاسر صانع یور فرزند غلامعلی راننده اهل ساکن تهران خیابان رودکی متهم بتوهین باموردولت در حین انجام وظیفه و در پرونده کلاسه ۱۴۱-۴۰ کیفری بازپرسی که فعلاً مجهول المکان میباشد.

اخطار میگردد که ظرف مدت دو ماه پس از نشر آخرین آگهی در شعبه اول بازپرسی دادسرای دماوند حاضر و الا پس از انقضای مهلت قانونی تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد.

باز پرس دادسرای شهرستان دماوند - معاونی
۱۱۲-۱۱۲ ر.م الف ۳-۱

جراح پلاستیک و زیبایی

دکتر علاءالدین خطیر

تلفن ۳۶۴۹۹ - منزل ۹۵۸۳۵ - آ-۱۴ ۲-۱۰
خیابان سعدی روبروی سینما ادئون

دکتر حسین طبیب

وندان پزشک

نشانی - ابتدای خیابان امیر آباد چهارراه فرصت

شماره ۳۹ - تلفن ۴۲۱۹۳

پذیرائی - بعد از ظهر ها

طرح نود باره

آموزش و پرورش ملی

از دکتر محمدرضا عاملی تهرانی
دانشیار دانشگاه تهران

کتابی که مسائل آموزشی را از دیدگاه ناسیونالیسم مورد بحث قرار داده است. کتابی که میتواند مبنای طرحهای آموزش و پرورش برای رفاه و سر بلندی ملت ما باشد کتابی که علت تلف شدن نیروهای انسانی را در دبیرستانها و دانشگاه تشریح می کند و پیشنهادهای ریشه دار و قابل اجرا عرضه میدارد.
این کتاب که مدتی نایاب بود اکنون در دست روزنامه فروشهاست.

آگهی استخدام

اداره کل هواپیمائی کشوری
(نقاط مذکوره فوق)
تصویر - افراد بومی و محلی
واجد شرایط دارای حق تقدم خواهند بود.
واجدین شرایط برای ثبت نام میتوانند بسا در دست داشتن مدارک زیر

- ۱ - اصل مدرک تحصیلی
- ۲ - عین دفترچه پایان خدمت
- ۳ - کارت معرفی از طرف اداره کل مشاغل و کار یا بی وزارت کار
- ۴ - بیکر برگ و نوشت شناسنامه
- ۵ - سه قطعه عکس ۴ در ۶ همه روز باستانی (ایام تعطیل) در ساعات اداری منتهی تا آخر وقت اداری روز بیستم آذر ماه سال جاری به اداره کارگزینی کل هواپیمائی کشوری واقع در فرودگاه قدیم مهر آباد مراجعه و نامتقاضا ترتیب شرکت آنان در آزمایشات و رودی داده شود.

اداره کل هواپیمائی کشوری
۶۳۹۹ ر.م الف ۲-۱ آ-۱۱۴

در شهرستانها

اهواز

● نامه ای بامضای آقایان غلامعلی خرمی و شعیان دانیاری نمایندگان ساکنین اهواز قدیم خیابان علوی بدفتر روزنامه رسیده است که نامه مزبور شکوایه ایست به شهردار اهواز که عیناً قسمتی از مطالب آن درج میگردد.

اینجا بنابر کتب اهواز قدیم خیابان علوی در سال گذشته چندین بار چه طی نامه ها و چه شفاه وضع وخیم و کثیف خیابان مسکونی خویش را بمرض رساندیم و با تذکر بنامه ها و شکایاتی که در سنوات قبل از طرف اهالی بهمین منظور بشهرداری شده و ترتیب اثری داده نشده بود اظهار داشتید که چون در حال حاضر مشغول اسفالت خیابان مدخل شهر هستیم بر ایمان مقدور نیست که بدرخواست شما ترتیب اثر دهیم ولی من بشما قول شرف میدهم که در پایان فروردین ماه سال ۴۵ کار اسفالت این خیابان تمام شده باشد و اضافه نمودید که یک فلکه مثلث شکل نیز برای ایجاد نظر گرفته ایم با توجه بتاریخ قول شما و تاریخ امروز باید گفت که چنانچه ما تنها بقول خود عمل ننموده ایم بلکه کوچکترین اقدامی که مبین توجه شما بقولتان باشد ننکرده ایم و لذا لازم دانستیم که باستحضار برسانیم که.

آیا چون خیابان ما در مدخل شهر نیست و اگر شخصیتی از تهران بیاید آنرا نخواهد دید مردمش باید در گرد و خاک ولجن زار و محیط آلوده زندگی کنند؟

آیا چون مردم این نقطه شهر افرادی زحمتکش و شریف بوده و قسمتی از افرادی را تشکیل میدهند که گرداننده چرخ اقتصاد کشور هستند باید از ابتدائی ترین مواهب تمدن محروم باشند؟ ... ما توجه مسئولان امر را بمطالب فوق جلب میکنیم.

شادگان

● از شادگان می نویسد، که اختلاف در فرهنگ شادگان ریشه دوانیده است و فرهنگ آنجا در ناسلامانی بسر می برد در شادگان دبیرستانی وجود دارد و فاقد کلاس چهارم آنها که بضاعت مالی دارند بعد از اتمام کلاس سوم به شهرستانهای دیگر می روند و آنها که فقیراند ناچار ولگردی را انتخاب می کنند و برای کسب و کار عازم دیار غربت میشوند جای تأسف است که شهرستان شادگان با جمعیت صد هزار نفرش فاقد کلاس چهارم می باشد.

مهاباد

● از مهاباد می نویسد: چند سال است که مهاباد و دودهای اطراف آن دچار قهر طبیعت و کم بارانی شده است و سالها بوده است که مردم انتظار ساختن سد را داشته اند. حال که سد ساخته میشود و در حدود ۲۰۰ نفر کارگر و صنعتگرانش بکار گمارده اند با کمال تأسف باید گفت که حتی یک کارگر و صنعتگرانش کرد را بکار نگماشته اند اما حتی حاضریم با مزد بسیار کمتر کار کنیم و در حالی که ما و خانواده هایمان در نهایت تنگدستی بسر می بریم آیا این ظلم نیست که کارگر از نواحی جنوب و سایر قسمت های ایران استخدام می کنند.

خاک و خون و مطهرات

آقای مصطفی ملالی - دانشجوی دانشکده اقتصاد و علوم بانکداری با خط بسیار زیبایی می نویسد، ضمن ابر از شایسته ترین احترامات موفقیت روز افزون «خاک و خون» را از خداوند بزرگ خواستارم. بعنوان یک جوان وطن پرست حاضر از هر نوع همکاری با آن روزنامه حقیق و موافع استقلال و ملیت خاک ایران کوتاهی ننمایم. مطالعه این جریده را بر ایرانی با شرف و ادوار میکند برای استقلال و تمامیت ارضی وطن خود فک کند و تصمیم بگیرد و به یاد گویا که چشم طمع به آب و خاک ما بسته اند بگوید مگر فراموش کرده ایم که ایرانی از هرج و مرج خاک این مرز و بوم تا پهای جهان نگهداری می کند.

آقای همایون امیر احمدی از تبریزی می نویسد، اقدام بانشار روزنامه یکی از اساسی ترین قدمهای موثری است در شناساندن آرمانها و ایدآلها و ابراز وجود یک حزب و نهضت سیاسی.

امیدوارم که نویسندگان «خاک و خون» در راه خدمت به این خاک و این خون و این نژاد کوه پیکر ابدی موفق باشند. صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را بپاس این اقدام مدبرانه، در این دوره که به انتشار یک روزنامه ناسیونالیستی مسئول در مقابل جامعه و وجدان ملی نیاز فراوان احساس میشود تقدیم میدارم. بدون شک قلب همه ناسیونالیستهای نیا خاک بزرگ در این راه با شماست، بهر گامی را که بر میدارید با وقت در نظر دارند و شما باید رهنمون راه سعادت و آزادی ملی باشید که گرفتار امواج سهمناک دریای ظلم و ستم استعمار خارجی و آبادی داخلی آن شده است.

آقای رحمت اله سعیدی دانش آموز از زنجان می نویسد، امیدوارم با این هدف های مقدسی که در پیش گرفته اید کامیاب و موفق باشید. چاپ مطالب آموزنده و ارزنده که دفاع از ملیت ایرانیان اصل و کردان با شرافت ایرانی را در بر دارد موجبانی است که باید از صمیم دل تبریک گفت.

دوشیزه رخساره نیک انجام دانشجوی دانشکده می نویسد، «خاک و خون» ستاره درخشانی است که بحق در آسمان ایران درخشیدم گرفته است. در طول عمر خود هیچ روزنامه ای را ندیده ام که این چنین پر شور و راهی قدم بردارد که محققا جز به سر بلندی و عظمت ایران نخواهد انجامید. این روزنامه بی محابا نوازش را گوشزد میکند و برای هر انتقاد خود راه حلی مثبت عرضه می نماید طلوع چنین روزنامه ای را با همه وجود تبریک میکنم و امیدوارم که بتواند در راه مقاصد مقدس و افکار بلند پایه مسئولان روزنامه «خاک و خون» قدمی هر چند کوچک باشد بردارد تا وجدان ملی را راضی گردد.

آقای سید مظفر علوی نامه شما رسید ضمن اظهار تشکر از احساسات بی شائبه شما روزنامه به آدرس مورد نظر تان فرستاده خواهد شد.

راه انسانی

معمولا از وجود سرپرست‌ها خبری ندارند، فقط در بعضی از مواقع بوجود سرپرستی پی‌می‌برند و آن‌هم هنگامی است که برای گرفتن یک معرفی‌نامه یا گواهی یا بازگشت‌نامه اشکال‌تراشی این اداره‌رو برو میشوند، بطوریکه هم‌اکنون عده زیادی باین نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه اصلاح سرپرستی‌ها برچیدن آن‌هاست.

سرپرستی‌ها گاه از چنان مسائل بی‌اطلاع هستند که موجب حیرت است، مثلا چنانکه روزنامه عصر تبریز بارها نوشته و خاک و خون نیز بیرامون آن بحث پرداخته است، یکی از دانشگاه‌های کشور ترکیه برای پرداخت کمک

هزینه دانشجویان ایرانی را مجبور بانک ملیت خود می‌سازد و از آنان گواهی رسمی مطالبه میکند که خود را ترک معرفی کنند. معلوم نیست چند سال است که

چنین کار مفتضحی در جریان بوده‌است، معذالک ما در این کشور هم سفیر داریم و هم کنسولگری‌های متعدد و هم سرپرستی دانشجویان و متأسفانه خواب همه این دستگاه‌ها چنان سنگین بوده است که از چنین عمل‌نمندی‌های بی‌خبرمانده‌اند. براساسی هم اگر قرار است چنین تشکیلاتی از حقوق ملی و آبروی ملت ایران دفاع نمایند باید با کسانی که خواستار برچیدن سرپرستی‌ها هستند همدستان شد.

ممکن است سرپرستی‌های کنونی در خور تعطیل و برچیدن باشند ولی کار سرپرستی قابل صرف نظر کردن نیست و تا زمانی که ما از محیط‌های فرهنگی خارج بی‌نیاز نشویم لازم است دانشجویان ما طبق برنامه تحت مراقبت و سرپرستی دقیق تحصیل مشغول باشند. اما آنکه شایان توجه اینست که علاوه بر آنکه ما برای توفیق در کار سرپرستی دانشجویان، به سرپرست خوب نیازمندیم بیک سازمان مرکزی و تدوین اصول دقیقی برای سرپرستی هم احتیاج داریم.

عیب عده کار ما اینست، در حالیکه نظام آموزشی نسبت بمشکله سرپرستی و هدایت و بطور کلی امر تربیت بی‌اعتقاد است و برای آن بطور کلی اصول و برنامه‌ای ندارد، یکمرتبه اعتقاد داریم که سرپرست‌های مادر کشورهای خارج معجزه کنند و دانشجویان را هدایت و ارشاد نمایند.

برای حل مسئله سرپرستی باید ابتداء در مرکز وزارت آموزش و پرورش، بطور دقیق هدف‌های تعلیماتی، فنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود را در مورد استفاده از دستگاه‌های فرهنگ مغرب زمین مشخص نمائیم و بدانیم که از دانشگاه‌های کشورهای خارجی چه می‌خواهیم و نیز بدانیم که دانشجویان با چه روحیات و با چه عواطف و علائقی باید تربیت شوند. وقتی این اصول روشن شد آنگاه میتوان آنرا بعهده‌ای تعلیم‌داد و تفهیم کرد و سپس از آن‌ها خواست که بکشورهای خارج بروند و بر طبق اصولیکه بدانان تعلیم داده شده‌است دانشجویان را هدایت و سرپرستی کنند. وقتی شما در داخل کشور نمیدانید دانشجوی را چگونه می‌خواهید بار آورید، چه نظارتی دارید که یک سرپرست با آن طاق کرابه‌ای که بآن نام اداره سرپرستی داده‌است در یک کار خارجی قادر باشد که دانشجویان را از هر جهت و بخصوص از جهت آرمان‌های سیاست ملی هدایت نماید.

برای آنکه سرپرست‌های شما واقعا سرپرست باشند، ابتدا باید برای آن‌ها در مرکز ستادی بوجود آورید که همه اطلاعات درباره دانشجویان و محیط‌های فرهنگ خارجی و نیز تعلیماتی که بدان نیاز دارند و وسائل و تدارکاتی که برای موفقیتشان به آن محتاج‌اند در آن جمع و متمرکز باشد. این ستاد خود باید دارای سیاست مشخصی از لحاظ هدایت نیروهای انسانی ما در محیط‌های خارج باشد و از چنین ستادی شما خواهید توانست سرپرست‌های خود را هدایت کنید تا آن‌ها نیز بنوبه خود بتوانند دانشجویان را هدایت کنند. خلاصه آنکه اول شما باید سرپرست‌ها را سرپرستی کنید تا آن‌ها هم از شما یاد بگیرند و دانشجویان را هدایت و ارشاد کنند.

ما امیدواریم اکنون که در صدد اصلاح سرپرستی‌ها هستند باین نکته اساسی توجه کنند که ابتدا باید باصل هدایت، ارشاد و سرپرستی معتقد شویم و مغز آنرا در ایران بوجود آوریم تا بتوانیم از این مرکز سرپرست‌ها و دانشجویان را اداره کنیم.

دو گل و سارتر

گز ار فلسفه اگرستانسیالیزم در فرانسه برای خود منطقی بس عجیب دارد. گفته‌است رای دادن به میراث معنای موافقت با او نیست بلکه برآه آنست که مانع از پیروزی دیکتاتوری فردی گردد و منظور او از دیکتاتور کسی جز ژنرال دوگل نیست.

اینست که با اندوه فراوان در میابیم چرا ژنرال دوگل کار خود را و جنگ مقدس خویش را پایان یافته نمیداند و در ۷۵ سالگی که سال‌های استراحت و تفکر مردانی چون او میباشد اینچنین سرسختانه مبارزه میکند و دلیرانه می‌جنگد.

انگیزه این سرباز پیردور بزرگی که آغاز کرده است خطری است که از سوی صاحبان مکتب اندوید و آلیسم و وابستگان آنان احساس می‌کند که یکی از تظاهرات این اندیشه بصورت (اگرستانسیالیزم فرانسوی) بروز کرده‌است. دوگل با ژرف بینی و درست اندیشی و بی‌محدود خوب در بافته‌است علت شکست‌های فرانسه در جنگ دوم و سال‌های بعد از آن چه بوده‌است و اکنون برای از میان بردن این عامل فساد و انحطاط فکری فرانسویان مبارزه می‌کند. همگان میدانند و می‌گویند که فرانسوی میهن پرست است ولی دوگل میدانند که تنها میهن پرست بودن کافی نیست، باید به آن موجودیتی که در حاکم میهن پرستی را بوجود آورده‌است اندیشید و در پی رونق بخشیدن به آن اندیشه‌ای بود که میهن پرستی یکی از جلوه‌های پرشکوه آن اندیشه‌است و این اندیشه چیزی جز ناسیونالیسم یعنی احساس و اعتقاد به وجود ملت بعنوان اصل اصیل و اساسی در پیدای‌های اجتماع و سازنده تاریخ ملت‌ها و جهان نمیباشد.

امروز، روز انتخابات ریاست جمهوری فرانسه است - مردم فرانسه امروز باین پرسش پاسخ خواهند گفت که ناسیونالیسم دو گل را می‌پذیرند یا اگرستانسیالیزم سارتر را و معلوم خواهند کرد که آیا تعلیمات دوگل توانسته‌است زهر اندیشه اندوید و آلیسم را از مغز فرانسویان بزداید و جرقه این فساد و انحطاط فکری آدمیان را که از سال‌های پیش از انقلاب در مغزهای مردم فرانسه لانه کرده است بیرون برانداید.

حقیقت اندیشه

خونبار تجاوزات استعمارگران بخوبی آشکار است و هرگاه در مواردی بسیار قبل از آنکه سیاحیان اشغالگر قدرت‌های استعماری سر زمین‌های بسیار را بتصرف خود درآورند، کمیانیهای وابسته به قدرت‌های استعماری راه را برای نفوذ و سپس تسلط قوای اشغالگر باز می‌کنند - در تاریخ استعمار نوین دوشادوش نفوذ استعماری و تسلط و استیلای قدرت‌های استعماری وجود و کوشش احزاب و سازمان‌های وابسته باستعمارگران دیده میشود.

نقش مخرب نفوذی را که در دوران استعمار کهنه کمیانی‌ها و هیئت‌های تجاری و مسیون‌های مذهبی به‌عهده داشتند در استعمار نوین احزاب و روزنامه‌ها و سازمان‌های وابسته باستعمارگران به‌عهده گرفته‌اند. و این بزرگترین فریب و اندوه‌بارترین فاجعه‌ای بود که قدرت‌های استعماری بزندگی ملت‌های استعمار شده تحمیل نمودند.

استعمارگران باین تمهید جنگ و تهاجم عظیم تبلیغاتی خود را داخل صفوف ملت‌ها کشانیدند - بخصوص که کوشندگان تبلیغاتی استعمارگران افراد و عصابی بودند و هستند از میان مردم استعمار شده - برخی از آنان که سردمداران و گردانندگان خود آگاهانه در تار و پود این توطئه‌های استعماری قرار گرفته‌اند و گروه بسیار دیگری همان قشرهای گوناگون اجتماع میباشد که بساقه تحول طلبی و رهایی از فساد و تباهی که جامعه آنان دست بگریبان آن‌است در این تار و پود تبلیغاتی و نفوذ فکری و سیاسی گرفتار میشوند.

بدین مناسبت نقش احزاب و سازمان‌ها و مطبوعات وابسته بقدرت‌های استعماری در گسترش نفوذ استعمارگران و تبدیل استعمار کهنه باستعمار نوین و در نتیجه بقای نفوذ سلطه استعمارگران در مناطق و کشورهای استعمار شده حائز توجه بسیار میباشد.

همچنانکه قدرت‌های استعماری در زمینه رقابت جهانی خود باینکه بیکدیگر رقابت و کشمکش بسیار دارند و همچنانکه تبلیغات دستگاه‌های وسیع و عظیم تبلیغاتی آنان هر یک میکوشد که خود را یار و غمخوار همان مردم غارت شده‌ای معرفی کند که سال‌های بسیار است اسیر زنجیرهای اسارت اقتصادی و سیاسی آنان میباشد.

سازمان‌ها و احزاب و مطبوعات وابسته به قطب‌های مختلف استعماری که در کشورهای استعمار شده و یا دیگر کشورها که بهر حال حقوقی از آنان مورد غارت و چپاول قرار گرفته‌است و یا از هدف‌های آنی استعمارگران میباشد، بصورت عوامل و سازمان‌ها و احزاب رقیب برای یکدیگر قرار می‌گیرند و در حالیکه زنجیرهای اسارت فکری و سیاسی را در دست‌های خود دارند تا بدست و پای مردم به پیچند، خود را یار غمخوار آنان و قطب استعماری را که بدان وابسته‌اند تنها ملجاء امید بخش مردم معرفی میکنند. متأسفانه فصول بسیاری از تاریخ مبارزات احزاب سیاسی کشورهای استعمار شده، عبارت است از مبارزه همین قدرت‌های استعماری که هر یک تمایلات و هدف‌های خود را در لباس حزبی وابسته بخود دنبال میکنند و با تکیه بر وسائل عظیم مادی و تبلیغاتی و با حمایت آشکار و غیر آشکار از عوامل وابسته بخود بازار مبارزات چنین سازمان‌ها و احزاب و عوامل استعماری را گرمی و حرارت می‌بخشند.

ناکنون در این بررسی اجمالی باین اصل آگاه گردیده‌ایم که قدرت‌های استعماری و در نتیجه روش‌های گوناگون استعمار نوین هر چند با یکدیگر اختلافات و رقابت‌ها و در نتیجه تمارض منافع دارند - اما در یک مورد همه باهم هم‌آهنگند و از یک اصل پیروی میکنند و آن نیز عبارت است از اینکه، **نگذارند ناسیونالیسم ملت‌ها گسترش یابد و پیروز گردد.**

مبارزه باناسیونالیسم و کوشش برای جلوگیری از ایجاد هر جنبش اشیل ملی هدف مشترکی است که نیروهای استعماری در میدان کوشش‌های خود بدان توجه دارند و از آن پیروی میکنند - این اصل در مورد فعالیت‌های عوامل وابسته به آنان که در داخل کشورهای استعمار شده بوجود آمده و در حال کوشش و گسترش هستند نیز مشهود است.

احزاب و سازمان‌ها و مطبوعات وابسته به قطب‌های استعماری در عین رقابت و مبارزه و کشمکش که باینکه بیکدیگر دارند در این امر اتفاق نظر دارند که با آرمان‌های ناسیونالیستی مبتنی بر واز ایجاد هر گونه رستخیز اصیلی که مبتنی بر آئین ناسیونالیسم باشد مناعت کنند. بنا بر این برابر ناسیونالیسم هر ملت که همان آئین آزادی و رفاه ساختن زندگی مستقل ملی است همه این اوزع و اعمال تبلیغاتی استعمارگران چیه واحد وصف هم‌آهنگی بوجود می‌آورند. اغلب کار بد انجام می‌کشد که نوعی از هم‌آهنگی و همکاری آشکار و غیر آشکار میان عوامل هیئت حاکمه و صفوف بظاهر مخالف هیئت حاکمه برای تهاجم بر صفت ناسیونالیسم بوجود می‌آید.

گاپ خلیج فارس

یک دوره مسابقات فوتبال زیر نظر آن فدراسیون ترتیب دهد. بدین منظور کاپی بنام «کاپ خلیج فارس» به تیم برنده اهدام خواهد شد. ضمناً دوست لباس فوتبال برای تیم‌های اول و دوم این مسابقات در نظر گرفته شده‌است. خواهشمند است موافقت آن

فدراسیون محترم را اعلام تا ترتیب انجام این مسابقات زیر نظر مستقیم فدراسیون محترم داده شود. نماینده روزنامه خاک و خون در خرمشهر خرمشهر مجید سالمی. کاریده نمایندگی روزنامه خاک و خون با همکاری فدراسیون فوتبال انجام می‌دهد کاری است شایسته و درخور تحسین بسیار. گامی که فدراسیون فوتبال برای انجام مسابقات «کاپ خلیج فارس» بر می‌دارد مورد پشتیبانی و تأیید همه آرمان‌خواهان آن سامان می‌باشد که ورزش و نیرومندی را بخاطر پاسداری آب‌ها و ساحل‌های ایران زمین از گزند دشمنان تاریخی و نژادی دوست دارند و بدان ارج بسیاری نهند.

صد گونه تماشا

* خاک هامون برافشانده تا بچرخ خود چو برق جسته، از ممب گشت ... کف بلب، تن در عرق، در هر نفس چون خیال از دشت پهن‌آور گشت

* اسب نازان در بیابان و سوار در سرش، اندیشه دلبر گشت داغ شلاق شتاب بی‌شکب
بر کفل چون دشنه آذر گشت

باز اسب خسته در راه سیاه تیز چونان ضربت خنجر گشت در دل بیکه سوار شب نور
شوق وصل یار گل پیکر گشت

* در کنار تنگ درختی اسب ماند آشنا بر آشنا، آخر گشت باز شد بازوئی و بوسی شکفت
لخت دیکر آب وصل از سر گشت.

* کف بلب، تن در عرق، بسته نفس اسب خسته، اوقات در گشت!

صحنه دوم آوای شاعر!

گاهی بنام ادبیات! بنام شعر و هنر! چه هذیان‌های غریب و عجیبی بخورد مردم میدهند - راستی چرا در مملکتی که امثال محمد زهری آنچنان مسلط بر توشن سخن قرار می‌گیرند و اثری بدیع و دل‌انگیز و محکم چون «اسب و سوار» می‌آفرینند کسانی چون آقای محمود ... بخود اجازه میدهند تا قطعه‌ای آوای شاعر! را قلمی فرماید! اکنون بشنوید از آوای شاعر ... بدینست، قطعه‌ای است فکاهی که نویسنده آن را بعنوان نوشته‌ای بسیار جدی و با صلاح احساساتی قالب کرده است ... اکنون آوای شاعر:

هر لحظه دراعمال قلم گشت میکند. و من بر زیرکی هستم که بونه‌ها را گرد آورده و بیکر سنگان می‌دهم (جل الخالق)!

روح - این مژگن را زنده دارد و من خوشه‌هایش را فشرده و تشنگان را سیر آب می‌کنم (آفرین بر تو)

آسمان این چراغ را پر از روغن میکند و من آنرا روشن کرده در پنجره‌ی اطافم می‌گذارم برای آن‌هاییکه در ظلمت شب راه می‌روند!

صحنه سوم تماشاچی ساده!

بیست سال از محاکمه نورمبرگ می‌گذرد - در این دادگاه که گروهی از سران آلمان ناسیونال سوسیالیست محکوم به اعدام و گروهی محکوم به حبس‌های طولانی شدند روزنامه اطلاعات بمناسبت بیستمین سال پس از این محاکمه شرحی نوشته بود که نتیجه این بررسی را در چند جمله بعنوان چکیده بحث تنظیم نموده‌که خالی از لطف و نتیجه نیست و اکنون شمارا به تماشای آن می‌بریم.

بدین ترتیب جنايتكاران جنگ دوم به کفر رسیدند در حالیکه امروز بیست سال از نورمبرگ در روز دزیا، آنکولا، موزامبیک، افریقای جنوبی و بسیاری دیگر از کشورهای جنوبی و از آنجه متهمین نورمبرگ انجام دادند صورت می‌گیرد و فرشته عدالت بصورت تماشاچی ساده‌ای در آمده‌است!

صحنه چهارم مردم بد همکار شدند

یکی از مشکلات مردم وضع اتوبوسرانی شهر تهران است، اغلب صف‌های بسیار طولانی از مردم در زیر آفتاب سوزان تابستان و سرمای سخت زمستان از منظر ثابت و همیشگی خیابان‌های تهران است، این مردم قانع و بردبار آنها باین دلخوشند که مسئولین امر حداقل آنان را از این بوش گرما و سرما نجات دهند - اما معلوم نیست چرا مسئولین و متصدیان امور بهنگام قیاس زندگی ما با زندگی ملت‌های آلمان‌ها فقط اشکالات فرضی آنها را بر می‌کشند و باین وسیله از خود سلب هر گونه مسئولیتی را می‌نمایند - اکنون خوانندگان عزیز را بتماشای خلاصه مطالب بسیار مفصل و مطول مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی می‌بریم - اما چون وقت خوانندگان ضیق است و اغلب حوصله و فرصت مطالعه این مطالب مبسوط را نخواهند داشت خلاصه اظهارات ایشان را به نقل از روزنامه اطلاعات به تماشای خوانندگان می‌گذاریم تا در یاد ایشان هستند که بدعکارند نه متصدیان و مسئولین شرکت واحد اتوبوسرانی و برون دوشگر خدای بجا آورند که از چنین رفاهیتی برخوردارند! اینک خلاصه اظهارات مفصل مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی:

- نرخ بلیط اتوبوس نسبت به سایر احتیاجات عمومی و طول مسیر خطوط ناچیز است (لا بد باید گران شود)!
- مردم وقت خود را باید با وضع اتوبوسرانی شهر مثل همه‌جای دنیا تطبیق دهند (مردم چرا قدر نمی‌دانند)!
- اضافه سوار کردن اتوبوس‌ها در همه‌جای دنیا رایج است
- * افزایش تعداد سرنهاها به زبانی شهر لطمه می‌زند (سرنهاها را خراب کنید!)

بقیه تقسیم می‌ماند

خودداری کنند. همان‌گونه که ما پیش‌بینی کرده بودیم دولت انگلیس حاضر نشد علیه هم‌پیمانان خود و انگلیسیان مهاجر رودزیا اقدامی مؤثر کند و این موضوع بر کشور های افریقائی اثبات گردید، اکنون این کشورها که هر یک زمان‌های طولانی عمل تازیانه استعمار را نموده و خاطره شکنجه‌های استعمارگران اروپائی را هنوز زیاد نبرده‌اند بخوبی درمی‌یابند که درین جهان بزرگ و روزگار پر آشوب هرگز - قدرت‌های بزرگ جهان که بر سر استعمار نوین ملت‌های عقب مانده باینکه بیکدیگر رقابت میکنند حاضر نخواهند شد با آنان همکاری و همراهی نمایند. از اینروست که می‌وشش کشور افریقائی با انسداد بر تیروهای ملی خود برای هائی ۴ میلیون هم‌پیمان تیره‌روز رودزیائی بی‌اخته‌اند و این همان احساس و استنتاجی است که ۱۰ سال پیش کنفرانس باندونگ را بوجود آورد و همان روحیه و طرز تفکری است که کشورهای آزاد شده جهان را بشکستن نزدیک می‌سازد و روشی که این همسان ناسیونالیسم ملت‌های بیدار شده

افریقاست که جلوه تابانست خود را بر جهان‌یان می‌نمایاند و قدرت خود را در زمینه‌های بین‌المللی آشکار می‌سازد. آنچه که مسلم است انگلیس در برابر این تهدیدات بازم دست اندر تار و پود سر در گم اقدامات دیپلماتی خاص خود خواهد زد و حاضر نخواهد شد بطور قاطع علیه حکومت بان اسمیت عملی انجام دهد زیرا در منطق انگلیس - بان اسمیت از آن نظر که ۴ میلیون سیاه پوست را در بدترین شرایط زندگی در تحت شکنجه قرار داده است گناهی مجسوب نمیشود، بلکه گناه بان اسمیت تنها در آنست که ظاهراً با مقاصد انگلیس مخالفت ورزیده، گرچه معلوم نیست در پشت این نقاب مخالفت چهره حقیقی انگلیس نسبت بیان اسمیت حالتی بسیار موافق و مهربان و همراه و همکار نداشته باشد. چنانکه دولت و پلسون حالا که بر اثر فشار زامبیا کشور همسایه هم مرز رودزیا حاضر شده است تعداد بسیار کمی از نیروهای هوائی خود را به کشور زامبیا بفرستد بکرات اعلام کرده‌است که این نیروها بخاک رودزیا وارد نخواهند شد و با سربازان رودزیا مبارزه نخواهند کرد و زیر امور کشورهای مشترک - المنافع انگلیس که پس از پایان

گفتگوهای خود با رهبران دولت زامبیا این کشور را ترک گفت اظهار داشت «که اگر نیروهای انگلیس برای محافظت از سد کارپا وارد رودزیا بشوند نیروهای رودزیا از خود مقاومت نشان خواهند داد و در این صورت وقوع جنگ حتمی خواهد بود در حالیکه انگلیس نسبت به این اقدام بی‌علاقه‌است.» این گفتار بخوبی ماهیت اندیشه و منطق دولت انگلیس را در مورد رودزیا آشکار می‌سازد، پس کشور های افریقائی چاره‌ای ندارند جز اینکه خود پنهانی و با پشتیبانی هم‌پیمان خویش برای برانداختن اسمان استعمار از قاره سیاه بیا خیزند و مردانه درین راه پیکار کنند. اگر روزی یکی از دولتهای استعمارگر حاضر شود همکار با ناسیونالیسم این ملت‌ها علیه استعمار کشوری دیگر بچنگ بدون شک خود دارای مقاصد خاصی بی هدف‌های استعماری خاصی میباشد، همه کشور های افریقائی و دیگر ملت‌های آسیائی و افریقائی باید برای مبارزه با استعمار به نیروهای خود اتکاء داشته باشند و درین راه هر گونه انتظاری از استعمارگران بیهوده و نارواست

